

بررسی رابطه بین دوره تصدی کوتاه مدت و بلندمدت حسابر س و محافظه کاری حسابداری

دکتر محمد نوروزی

گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، مدرس دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران. (نویسنده مسئول).
mohammad_n488@yahoo.com

دکتر عباس قدرتی زوارم

گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فنی حرفه ای، شیروان، ایران.
abbas.ghodratizoeram@gmail.com

عظیمه نجاری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی اشراق، بجنورد، ایران.
azimehkhani20062007@gmail.com

فاطمه باقری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
fatemehbagheri1396@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین دوره تصدی کوتاه مدت و بلندمدت حسابر س و محافظه کاری حسابداری است. با بهره مندی از روش نمونه گیری حذفی و با اعمال شرایط انتخاب نمونه، نمونه ای متشکل از ۱۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ انتخاب گردید و با بهره گیری از الگوی رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده های تابلویی مورد آزمون قرار گرفت. یافته های پژوهش حاکی از آن است که دوره تصدی بلندمدت حسابر س منجر به کاهش محافظه کاری حسابداری می گردد. همچنین فرضیه دوم حاکی از آن است که شرکت هایی که دارای دوره تصدی بلندمدت حسابر س هستند دارای گزارش های محافظه کارانه تری خواهند بود و در نهایت بر اساس نتایج بدست آمده از فرضیه سوم حاکی از آن است شرکت هایی که دارای دوره تصدی کوتاه مدت حسابر س هستند دارای گزارش های محافظه کارانه تری خواهند بود.

واژگان کلیدی: تصدی کوتاه مدت حسابر س، تصدی بلندمدت حسابر س، محافظه کاری حسابداری.

مقدمه

محافظه کاری حسابداری را الزام به داشتن درجه بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می نمایند. این تعریف محافظه کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می نماید. اما تعریف دیگر، تعریف محافظه کاری حسابداری از دیدگاه ترازنامه است. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه کاری یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، کم نمایی دارایی و بیش نمایی بدهی می شود (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸). دوره تصدی حسابر س موضوعی است که در سراسر جهان به خصوص بعد از ورشکستگی شرکت هایی نظیر آنرون و والدکام در اوایل ۲۱ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. قانون گذاران از وجود روابط بلند مدت میان حسابر س و صاحبکار نگران هستند زیرا بر این باورند که

این گونه روابط بر استقلال حسابرسان اثر خواهد گذاشت (ساربنز آکسلی، ۲۰۰۲). در واقع روابط بیش از حد میان حسابرسان و مدیر باعث کاهش تردید حرفه‌ای و در نتیجه اختلال در استقلال حسابرسان خواهد شد. اگر چه دقت در صورت‌های مالی در درجه اول مسئولیت مدیریت می‌باشد، اما استقلال حسابرسان یک جزء کلیدی از کیفیت گزارشگری مالی است. تغییرات حسابرسان به صورت مکرر منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسان می‌شود. (ولز و لادر، ۱۹۹۷؛ دیفاند و همکاران، ۱۹۹۷، شو، ۲۰۰۰؛ کیم و پارک، ۲۰۰۶؛ گریفین و لانگ، ۲۰۰۸). مطالعات پیشین صورت گرفته اثر دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت حسابرسان را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که روابط طولانی مدت میان حسابرسان و مدیر کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد بر اساس این مطالعات شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد چرخش حسابرسان؛ کیفیت حسابرسان را تضعیف می‌کند. تا چندین سال اخیر هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌ها، چرخش اجباری حسابرسان را مورد بررسی قرار دادند (تایسیک، ۲۰۱۲) و همچنین در اتحادیه اروپا، قانونگذاران از ابتدای سال ۲۰۱۴ نیاز به چرخش اجباری را در موسسات حسابرسان مطرح کردند. تحقیقات صورت گرفته توسط تنظیم‌کنندگان قانون نشان می‌دهد که چرخش اجباری حسابرسان در شرکت‌ها، ممکن است کارآمدترین راه برای افزایش استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسان باشد. برخی از کشورها، از این چرخش در شرکت‌های خود استفاده میکنند نظیر برزیل، ایتالیا، مالزی، کره، سنگاپور و هند (کاوان و همکاران، ۲۰۱۴؛ ادوین، ۲۰۱۴). اتحادیه اروپا (EC) در تنظیم پیش نویس قانون از سال ۲۰۱۱ این چرخش را پس از شش سال البته با یک دوره وقفه چهار ساله تصویب نمود. این قانون بیان می‌دارد که شرکت‌ها پس از حد اکثر ۱۰ سال باید حسابرسان خود را تغییر دهند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که برخی از کشورها، مانند یونان، به دلیل کیفیت پایین حسابرسان، حسابرسان انگیزه کمتری برای کشف کاستی‌ها نظیر مدیریت سود دارند. (کارامنیس و لنوکس، ۲۰۰۸) انگیزه پایین در حسابرسان در درجه اول به دلیل ریسک پایین دعوی قضایی و به خطر افتادن شهرت می‌باشد (کارامنیس و لنوکس، ۲۰۰۸). علاوه بر این، مدیریت سود در یونان نسبتاً شایع است. (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۳، لویز و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین، به نظر می‌رسد که برای شرکت‌ها، یک چرخش اجباری حسابرسان مورد نیاز است تا بتواند کیفیت حسابرسان و افزایش گزارشگری مالی را افزایش دهد. بر این اساس، بررسی ارتباط بین دوره تصدی حسابرسان و کیفیت حسابرسان در یک محیط منحصر به فرد لازم می‌باشد. وضع قوانین و مقررات جدید میتواند کیفیت حسابرسان سبب بهبود شود (کارامنیس و اسپاسیس، ۲۰۰۶). علاوه بر این، لونتیس و دیمیتروپالوز (۲۰۱۰) به چند نکته اشاره کردند: (۱) بازارهایی که به طور سنتی بر سرمایه بر بدهی متکی هستند و همچنین پس از رسوایی شرکت‌ها و فروپاشی بورس اوراق بهادار آتن در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ به مسئله حسابرسان مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه این موضوع باعث رقابت بیشتر موسسات حسابرسان شد (اسپاسیس، ۲۰۰۲). (۲) نتایج این تحقیق از رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی برای شرکت‌ها در پرتو چرخش حسابرسان که اخیراً به قوانین اتحادیه اروپا به دلیل کیفیت پایین اطلاعات حسابداری افزوده شده است، حکایت دارد. حامیان تغییر حسابرسان بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران، مقاومت و قضاوت بیطرفانه تری را اعمال کنند. حضور طولانی مدت حسابرسان در کنار صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحبکار می‌شود؛ وضعیتی که استقلال و بی طرفی او را مخدوش کند (رجبی، ۱۳۸۵). هم چنین آنها تمایل حسابرسان را به حفظ صاحبکار از طریق حمایت از او دلیل دیگری برای تصویب قوانین محدود کننده مطرح می‌کنند؛ چرا که حسابرسان در سال‌های اولیه فعالیت برای صاحبکار جدید متحمل هزینه‌های اولیه‌ای می‌گردند که به منظور جبران آنها، به حفظ صاحبکار خود تمایل دارد (دیویس و دیگران، ۲۰۰۰) در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرسان عقیده دیگری دارند. به اعتقاد آنها عوامل دیگری هست که حسابرسان را به حفظ استقلال وادار می‌کند؛ به عنوان مثال تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت به کار می‌گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعاوی

حقوقی علیه آنها ساختارهایی است که مانع رفتارهای نامناسب حسابرسان می شود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیتهای صاحبکار به دست آورده و تجربه بیشتری کسب می کنند و به این ترتیب توانایی آنها در مورد مناسب بودن یا نبودن روش های حسابداری و گزارشگری افزایش می یابد. بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد (چن و دیگران، ۲۰۰۴) به اعتقاد آنها تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکاپذیری صورتهای مالی کاهش، و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد. ما در این پژوهش به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری حسابداری میپردازیم. که در آن ما با استفاده از مدل باسو (۱۹۹۷) از محافظه کاری برای سنجش عدم به موقع بودن سود استفاده میشود. در راستای تحقیقات قبلی (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶؛ واتس، ۲۰۰۳؛ باسو، ۱۹۹۷؛ فرانسس و همکاران، ۲۰۰۵؛ بال و شیواکومار، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶)، ما معتقدیم که محافظه کاری و یا به موقع به رسمیت شناختن خبر بد در سود به کیفیت گزارشگری مالی بالاتر در منجر خواهد شد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می دهد که محافظه کاری بعنوان یک سنج به موقع بودن سود، در دوره تصدی بلندمدت کاهش می یابد. افزایش و کاهش محافظه کاری برای صاحبکاران دارای اهمیت بالایی می باشد و دوره تصدی حسابرسی بلندمدت برای صاحبکاران چندان اهمیتی ندارد. بنابراین نتایج تحقیق نشان میدهد که شرکتهایی که دارای دوره تصدی بلند مدتی هستند محافظه کاری کمتری برای گزارش سود انجام می دهند. درواقع این یافته ها بیانگر این است که رابطه بلندمدت مدیران و حسابرسان منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می شود. لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که آیا بین چرخش اجباری موسسات حسابرسی و محافظه کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد یا خیر.

پیشینه تجربی پژوهش

لین و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با بهره‌مندی از قانون بنفورد، رابطه بین محافظه‌کاری، سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد با افزایش محافظه‌کاری، مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین بین مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی برقرار است. لوی (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "محافظه‌کاری حسابداری، نقدشوندگی بازار و میزان آگاهی دهندگی قیمت دارایی: کاربرد مارک بر حسابداری بازار" به این نتیجه رسید که با افزایش، میزان محافظه‌کاری معامله‌گران در بازار، نقد شوندگی بازار افزایش می‌یابد. حمدان و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر سطح محافظه‌کاری حسابداری در صورتهای مالی" به بررسی میزان محافظه‌کاری حسابداری و عوامل مؤثر بر آن در صورتهای مالی پرداختند. قلمرو مکانی و زمانی تحقیق آن‌ها شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار کویت در سال ۲۰۰۹ است. آن‌ها برای آزمون فرضیه‌های خود، از دو معیار متفاوت اندازه‌گیری محافظه‌کاری یعنی مدل باسو (۱۹۹۷) و نسبت BTM و روش‌های آماری رگرسیونی استفاده کرده‌اند و دریافتند بخش مالی از دیگر بخش‌های اقتصادی کویت محافظه‌کارتر است ولی سطح معقولی از محافظه‌کاری در صورتهای مالی تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس وجود دارد. گارسیا لارا و همکاران (۲۰۱۰) محافظه‌کاری حسابداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت را بررسی نموده و دریافتند که بیش‌تر شرکت‌های محافظه‌کار، تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری بیش از حد و کمتر از حد دارند. علاوه بر این، یک رابطه‌ی مثبت میان محافظه‌کاری و بهره‌وری یافتند و هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر این‌که شرکت‌های محافظه‌کارتر، در طرح‌های کم‌ریسک‌تر سرمایه‌گذاری کنند، نیافتند. چن و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که محافظه‌کاری پیش رویدادی (محافظه‌کاری نامشروط یا ترازنامه) با اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر و هزینه‌ی سرمایه‌ی پس رویدادی (محافظه‌کاری پایین‌تر و محافظه‌کاری مشروط یا عایدات) با اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین‌تر و هزینه‌ی سرمایه‌ی بالاتر مرتبط‌اند. موسوی شیری (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارزیابی مدیریت

سود در سطوح مختلف محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد اقدام نمودند. بدین‌منظور، نخست شرکت‌های نمونه که از بین شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و به روش غربال‌گری انتخاب شدند بر، اساس میزان محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی در هشت گروه طبقه‌بندی شدند و سپس با استفاده از قانون بنفورد به بررسی وجود یا نبود مدیریت سود در هر گروه از شرکت‌ها پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس داده‌های صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های نمونه برای یک دوره یازده، (۱۳۹۲ تا ۱۳۸۲) ساله نشان می‌دهد با افزایش سرمایه‌گذاران مدیریت سود افزایش می‌یابد که ریشه این امر می‌تواند افق کوتاه مدت سرمایه‌گذاران نهادی، تباری‌های سیاست مدارانه بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت و انگیزه زیاد در دستکاری سود توسط مدیران باشد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که سطوح مختلف میزان محافظه‌کاری تأثیری در مدیریت سود، ندارد. اسدی و بیات (۱۳۹۳) ارتباط گزارشگری مالی محافظه‌کارانه با پیش‌بینی سود مدیریت را بررسی کردند. شواهد تجربی نشان داد، بین محافظه‌کاری با تعداد دفعات پیش‌بینی سود از سوی مدیریت، رابطه منفی و معناداری برقرار است؛ اما بین محافظه‌کاری با دقت پیش‌بینی، رابطه‌ای با وجود ندارد. همچنین در نتایج پژوهش بین محافظه‌کاری (با استفاده از مدل باسو و معیار MTB) اعتبار پیش‌بینی سود، رابطه منفی و معناداری مشاهده شد.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: دوره تصدی بلند مدت حسابرس منجر به کاهش محافظه‌کاری حسابداری می‌گردد.
فرضیه دوم: شرکت‌هایی که دارای دوره تصدی بلند مدت حسابرس هستند دارای گزارش‌های محافظه‌کارانه تری خواهند بود.
فرضیه سوم: شرکت‌هایی که دارای دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس هستند دارای گزارش‌های محافظه‌کارانه تری خواهند بود.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته انجام گرفته است. از نظر روش تحلیل داده‌ها نیز تحقیق همبستگی است، زیرا پژوهش حاضر در پی یافتن رابطه بین متغیرهای پژوهش در یک جامعه آماری است. داده‌های پژوهش از لوح‌های فشرده آرشیبو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین گردآوری گردید. درنهایت، با توجه به حجم نمونه‌ها، از نرم‌افزار ایویوز نسخه یازدهم و استاتا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است. نمونه انتخابی پژوهش در نگاره (۱) خلاصه شده است.

پس از اعمال محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۶۷ شرکت و ۱۳۳۶ مشاهده (سال-شرکت) به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

جدول (۱): پراکندگی شرکت‌ها بر اساس صنعت

پراکندگی شرکت‌ها بر اساس نوع صنعت			
۱	پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، شیمیایی، لاستیک و پلاستیک	۴۰	۲۴٪
۲	مواد و محصولات دارویی	۲۳	۱۴٪
۳	فلزات اساسی و محصولات فلزی	۲۰	۱۲٪

۴	سیمان، آهک و گچ	۲۰	۱۲٪
۵	خودرو و ساخت قطعات	۱۶	۱۰٪
۶	محصولات کانی، غیرفلزی و سایر معادن	۹	۵٪
۷	زراعت و خدمات وابسته	۸	۵٪
۸	کاشی و سرامیک	۶	۴٪
۹	مواد غذایی (شامل قند و شکر)	۵	۳٪
۱۰	ماشین آلات، تجهیزات و دستگاه‌های برقی	۵	۳٪
۱۱	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۵	۳٪
۱۲	محصولات کاغذی	۴	۲٪
۱۳	رایانه	۲	۱٪
۱۴	سایر	۴	۲٪
	جمع	۱۶۷	۱۰۰٪

الگوی رگرسیونی و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: چرخش موسسات حسابرِس

تعداد سال‌هایی که شرکت توسط مؤسسه حسابرِس معینی حسابرِس می‌شود. به عبارت دیگر، به تعداد سال‌های رابطه حسابرِس و صاحبکار دوره تصدی حسابرِس می‌گویند.

دوره تصدی کوتاه مدت حسابرِس

زمانی دوره تصدی حسابرِس کوتاه مدت تلقی می‌شود که حسابرِس، حسابرِس صورت‌های مالی یک شرکت را برای مدت دو یا سه سال در اختیار داشته باشد (آدیمی و همکاران، ۲۰۱۲).
در صورتی که دوره تصدی حسابرِس کمتر یا مساوی ۳ سال باشد، متغیر مجازی STEN (دوره تصدی کوتاه مدت) برابر یک خواهد بود و در غیر این صورت، صفر است (گول و همکاران، ۲۰۰۸).

دوره تصدی بلند مدت حسابرِس

زمانی دوره تصدی حسابرِس بلندمدت تعریف می‌شود که حسابرِس، حسابرِس صورت‌های مالی یک شرکت را برای مدت بیش از سه سال در اختیار داشته باشد (آدیمی و همکاران، ۲۰۱۲).
در صورتی که دوره تصدی حسابرِس بزرگتر از ۳ باشد و متغیر مجازی LTEN (دوره تصدی بلندمدت) برابر یک، در غیر این صورت صفر خواهد بود (گول و همکاران، ۲۰۰۸).

متغیر وابسته: محافظه کاری حسابداری

مدل باسو: تمایل به سرعت بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها معرف محافظه کاری از دیدگاه سودوزیانی است و بر همین اساس باسو در سال ۱۹۷۷ میلادی معیار عدم تقارن زمانی سود را معرفی نمود. مدل باسو به صورت زیر است:

$$E_{i,t} / P_{i,t-1} = a + B_1 D_{i,t} + B_2 R_{i,t} + B_t D_{i,t} * R_{i,t}$$

$E_{i,t}$: سود قبل از اقلام غیرمترقبه.

$P_{i,t-1}$: ارزش بازار سرمایه در ابتدای دوره.

Rit: بازده سالانه سهام.

DRit: یک متغیر دو وجهی است که اگر بازده سالانه منفی باشد، مقدار آن برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

نکته مهم در مدل این است که در صورت منفی بودن بازده سهام، فرض بر این است که بازده به دلیل وجود اخبار بد منفی می باشد. بنابراین، این متغیر مجازی زمانی که بازده نشان دهنده اخبار خوب است، برابر با صفر، و زمانی که بازده نشان دهنده اخبار بد است برابر با یک است به عبارتی با وجود اخبار خوب (بازده مثبت) مقدار صفر برای متغیر مجازی منظور می شود.

متغیر کنترلی

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها.
نسبت اهرمی: معادل نسبت مجموع کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

مدل تحقیق

$$NI_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 DR_{i,t} + \beta_2 R_{i,t} + \beta_3 R_{i,t} * DR_{i,t} + \beta_4 TENURE_{i,t} + \beta_5 DR_{i,t} * TENURE_{i,t} + \beta_6 R_{i,t} * TENURE_{i,t} + \beta_7 R_{i,t} * DR_{i,t} * TENURE_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

به منظور آزمون فرضیات دوم و سوم $STEN_{i,t}$ و $LETN_{i,t}$ در مدل فوق با $TENURE_{i,t}$ جایگزین می شود. که در آن:

$R_{i,t}$: بازده سالانه سهام شرکت i در سال t .

$DR_{i,t}$: یک متغیر دو وجهی است که اگر بازده سالانه منفی باشد، مقدار آن برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

$TENURE_{i,t}$: چرخش موسسات حسابرسی شرکت i در سال t .

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t .

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t .

ویژگی های توصیفی متغیرها

این ویژگی ها شامل اطلاعات آماری همانند میانگین، میانه، ماکزیمم، مینیمم، انحراف معیار و تعداد مشاهدات می باشد که اطلاعات اولیه ای از چگونگی داده های مورد استفاده در مدل به ما می دهد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	مخفف متغیرهای تحقیق	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
محافظه کاری حسابداری	$E_{i,t}/P_{i,t}-1$	۰/۱۴۶۴	۰/۱۳۲۸	۰/۹۴۶۰	-۰/۹۴۳۳	۰/۲۰۲۵	۴/۳۹۰۱	-۰/۵۸۷۳
دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس	STEN	۰/۶۵۸	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۷۴۳	-۱/۵۵۹۸	-۰/۶۶۶۱

۱/۰۱۳۴	-۰/۹۷۰۶	۰/۴۴۶۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۷۴	LTEN	دوره تصدی بلندمدت حسابرس
۰/۳۷۹۸	۰/۳۸۷۳	۱/۵۶۱۹	۱۰/۰۳۱۲	۱۸/۴۹۰۴	۱۳/۷۳۰۵	۱۳/۸۱۸۳	SIZE	اندازه شرکت
-۰/۲۱۰۶	-۰/۳۸۰۲	۰/۱۸۶۶	۰/۰۹۶۴	۰/۹۹۳۸	۰/۶۲۲۳	۰/۶۱۲۵	LEV	اهرم مالی

در نگاره فوق برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده ها به عنوان شاخص های مرکزی و انحراف معیار به عنوان شاخص پراکندگی و ضریب کشیدگی، ضریب چولگی به عنوان شاخص های توزیعی ارائه شده است. اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه ی تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر به محافظه کاری برابر با ۰/۱۴۶ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همان طور که نتایج نشان می دهد میانه متغیر دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس برابر با ۱ می باشد که بیانگر این است که نیمه از داده ها کمتر از این مقدار و نیمه دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر انحراف معیار دوره تصدی بلندمدت حسابرس برابر با ۰/۴۴۶ است.

آزمون ناهمسانی واریانس

در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	p-value	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	فرضیه صفر (H_0)
	۰/۰۴۰۲	۰/۷۶۳۶	واریانس ها همسانند
			H_0 رد می شود (ناهمسانی واریانس وجود دارد)

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در جدول شماره (۳) آورده شده است، در تمامی مدل های پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد (زیرا احتمال یا p-value محاسبه شده کوچکتر از ۰/۰۵ است). بنابراین تخمین نهایی این مدل ها با استفاده از آزمون GLS صورت می گیرد تا فرض همسانی واریانس ها در تحلیل رگرسیون برقرار بماند و مشکل ناهمسانی واریانس ها به این ترتیب حل شود.

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

یکی از عمده ترین مشکلات که در رگرسیون سری های زمانی ممکن است پیش آید، پدیده رگرسیون ساختگی می باشد. رگرسیون ساختگی به وضعیتی اطلاق می شود که در آن علی رغم وجود R^2 بالا، رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. در تحقیقات مبتنی بر داده های سری زمانی فرض بر آن است که سری زمانی ایستا (پایا) می باشد. هر سری زمانی را می توان نتیجه یک فرایند استوکاستیک^۱ یا تصادفی دانست. یک فرایند تصادفی هنگامی ایستا تلقی می شود که میانگین، واریانس و خود کواریانس در وقفه های مختلف سری در طول زمان یکسان بوده و ثابت باقی بماند.

¹ Stochastic Process

جدول (۴): آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

فیشر- فیلیس، پرون		دیکی فولر		نام متغیرها	آزمون
احتمال	آماره	احتمال	آماره		متغیرها
۰/۰۰۰۰	-۱۲/۵۰۹۳	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۳۰۷۹	محافظه کاری	$E_{i,t}/P_{i,t-1}$
۰/۰۰۰۰	-۵/۵۱۷۳	۰/۰۱۳۱	-۲/۵۱۶۱	دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس	STEN
۰/۰۰۰۰	-۷/۰۸۶۱	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۰۵۵	دوره تصدی بلند مدت حسابرس	LTEN
۰/۰۰۰۰	-۵/۷۴۱۷	۰/۰۰۰۰	-۴/۵۸۲۹	اندازه شرکت	SIZE
۰/۰۰۰۰	-۱۰/۲۸۵۱	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۲۹۶۷	اهرم مالی	LEV

آزمون F لیمر

جدول (۵): آزمون لیمر چرخش موسسات حسابرسی بر محافظه کاری حسابداری

نوع آزمون	نوع مدل	P-Value	درجه آزادی	مقدار آماره
آزمون F لیمر	پانل	۰/۰۰۰۹	۱۶۶/۱۳۵	$F= ۱/۸۷۸۰$

با توجه به شکل جدول (۴) چون Prob کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض H_0 مبنی بر پولینگ بودن داده ها رد می شود. بنابراین با توجه به آزمون لیمر، داده ها پانل می باشد حال باید آزمون هاسمن^۱ را انجام داد.

آزمون هاسمن

جدول (۶): آزمون هاسمن چرخش موسسات حسابرسی بر محافظه کاری حسابداری

نوع آزمون	نوع مدل	P-Value	درجه آزادی	مقدار آماره
آزمون هاسمن	اثرات ثابت	۰/۰۳۰۲	۷	$\chi^2 = ۱۵/۴۹۲۵$

براساس نتایج حاصل از آزمون F لیمر در جدول (۶)، در برآورد مدل مربوط به فرضیات، با توجه به اینکه مقدار عددی این آزمون معادل (۱/۸۷۸) شده است و مقدار P-Value نیز در سطح اطمینان ۹۵٪، برابر با صفر شده است، به عبارتی ۰,۰۵ < P-Value است، لذا فرضیه صفر مبنی بر پولینگ^۲ بودن مدل رد شده و فرضیه مقابل (پانل) پذیرفته می شود. بنابراین برای تمامی مقاطع مورد مطالعه (شرکتها) می توان جهت برآورد مدل از روش پانل استفاده کرد. همچنین طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای فرضیات تحقیق، با توجه به اینکه در ازاء $\alpha=۰,۰۵$ ، میزان آماره هاسمن برای مدل (۱۵/۴۹۲) شده است و از طرفی میزان $P-Value < ۰,۰۵$ است، لذا فرضیه صفر رد می شود. رد فرضیه صفر (H_0) نشان می دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

نتایج آزمون فرضیات تحقیق

جدول (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل تحقیق

متغیر وابسته (محافظة کاری حسابداری)	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)
C (عرض از مبدأ)	۱/۳۲۰۵	۰/۱۰۳۴	۱۲/۷۵۹۵	۰/۰۰۰۰
$R_{i,t}$ (بازدهی)	۲/۰۶۱۲	۷/۱۲۱۶	۲/۸۹۳۴	۰/۰۰۴۰
$DR_{i,t}$ (متغیر دووجهی)	۳/۳۴۰۳	۱/۲۴۲۶	۲/۶۹۱۷	۰/۰۰۷۳
$R_{i,t} * D_{i,t}$ (بازدهی و متغیر دووجهی)	۴/۸۵۰۰	۳/۳۲۱۲	۲/۰۹۶۷	۰/۰۳۶۵
$STEN_{i,t}$ (دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس)	۰/۰۱۶۹	۰/۰۰۵۷	۲/۹۴۱۳	۰/۰۰۳۸
$LTEN_{i,t}$ (دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس)	۲/۰۶۱۲	۷/۱۲۱۶	۲/۸۹۳۴	۰/۰۰۴۰
$STEN_{i,t} * R_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر بازدهی)	-۰/۰۲۵۶	۰/۰۲۶۲	-۳/۲۱۵۴	۰/۰۲۶۵
$STEN_{i,t} * D_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر متغیر دووجهی)	-۰/۰۳۲۵	۰/۰۱۵۴	-۲/۳۲۵۶	۰/۰۱۸۶
$STEN_{i,t} * R_{i,t} * D_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر متغیر بازدهی و متغیر دووجهی)	-۰/۰۵۶۲	۰/۰۱۶۵	-۲/۴۵۲	۰/۰۳۵۶
$STEN_{i,t} * R_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر بازدهی)	۳/۱۲۵۶	۶/۶۲۵۴	۳/۶۳۳۶	۰/۰۰۸۹
$STEN_{i,t} * D_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر متغیر دووجهی)	۲/۵۲۴۲	۷/۴۱۲۵	۲/۹۸۶۴	۰/۰۱۳۲
$STEN_{i,t} * R_{i,t} * D_{i,t}$ (اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر متغیر بازدهی و متغیر دووجهی)	۲/۶۲۸۹	۵/۵۹۸۶	۲/۸۷۵۲	۰/۰۳۵۹
SIZE (اندازه شرکت)	-۰/۲۰۰۲	۰/۰۱۸۷	-۱۰/۶۶۴۸	۰/۰۰۰۰
LEV (اهرم مالی)	۰/۰۵۸۳	۰/۰۰۸۳	۷/۰۲۷۹	۰/۰۰۰۰
آماره F (سطح معنی داری)	۲۰/۲۲۹۵ (۰/۰۰۰۰)	آماره دوربین واتسن	۲/۲۳۰	
ضریب تعیین	۰/۸۲۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۷۴	

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰/۰۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۸۲ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (محافظة کاری حسابداری)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود.

ضریب برآوردی متغیر مستقل $STEN * R$ در جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار میان اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر بازدهی با محافظة کاری حسابداری در سطح خطای ۰/۰۵ است. همچنین نتایج اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر متغیر دووجهی بیانگر وجود رابطه معنادار با محافظة کاری حسابداری دارد. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت که بین اثر تعاملی دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس بر بازدهی و متغیر دووجهی با محافظة کاری حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر مستقل $LTEN * R$ در جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار میان اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر بازدهی با محافظه کاری حسابداری در سطح خطای ۰/۰۵ است. همچنین نتایج اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر متغیر دوجویی بیانگر وجود رابطه معنادار با محافظه کاری حسابداری دارد. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت که بین اثر تعاملی دوره تصدی بلندمدت حسابرس بر بازدهی و متغیر دوجویی با محافظه کاری حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی LEV در جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار میان اهرم مالی و محافظه کاری حسابداری در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت که بین اهرم مالی و محافظه کاری حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد.

ضریب برآوردی متغیر کنترلی SIZE در جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار میان اندازه شرکت و محافظه کاری حسابداری در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت که بین اندازه شرکت و محافظه کاری حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات تحقیق

در این تحقیق، رابطه بین چرخش اجباری موسسات حسابرسی و محافظه کاری حسابداری، مورد آزمون قرار گرفت. به منظور بررسی هر یک از فرضیات تحقیق مدل طراحی شده توسط ریکیت و آلام (۲۰۱۶) به کار رفته اند، تعریف و تخمین زده شد. سپس با توجه به نتایج بدست آمده از مدل، هر فرضیه به طور جداگانه بررسی گردید و در نهایت نتیجه کلی برای هر فرضیه بیان شد. در این بخش به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها خواهیم پرداخت.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که دوره تصدی بلند مدت حسابرس منجر به کاهش محافظه کاری حسابداری می گردد. با توجه به اجرایی شدن دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۷ مبنی بر تغییرات حسابرس مستقل در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تا پیش از اتمام دوره ۴ ساله پیشنهاد می شود برای حفظ منافع سهامداران و تامین کنندگان شرکت ها و همچنین نظارت راهبردی بر عملکرد هیئت مدیره، علل تغییرات مطروحه در گزارشات پیوست صورت های مالی افشا و ارایه گردد. نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق با پژوهش های استفان و همکاران (۲۰۱۱)، چی و هانگ (۲۰۰۵)، کریشان (۲۰۰۶) و ملکیان و عبدی پور (۱۳۹۲) همسو می باشد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که دوره تصدی بلند مدت حسابرس منجر به کاهش محافظه کاری حسابداری می گردد. با توجه به اجرایی شدن دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۷ مبنی بر تغییرات حسابرس مستقل در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تا پیش از اتمام دوره ۴ ساله پیشنهاد می شود برای حفظ منافع سهامداران و تامین کنندگان شرکت ها و همچنین نظارت راهبردی بر عملکرد هیئت مدیره، علل تغییرات مطروحه در گزارشات پیوست صورت های مالی افشا و ارایه گردد. نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق با پژوهش های استفان و همکاران (۲۰۱۱)، چی و هانگ (۲۰۰۵)، کریشان (۲۰۰۶) و ملکیان و عبدی پور (۱۳۹۲) همسو می باشد.

نتیجه فرضیه دوم، بیانگر آن است که شرکت هایی که دارای دوره تصدی بلند مدت حسابرس هستند دارای گزارش های محافظه کارانه تری خواهند بود. ادعا می شود رابطه بلندمدت حسابرس و صاحبکار از یک سو منجر به ایجاد روابط خاص، کاهش اعتماد عمومی و کاهش استقلال می شود. و از سوی دیگر شناخت حسابرس را از ساختار کنترل داخلی

صاحبکار و عملیات آن عمق بیشتری می بخشد و موجب اثربخشی بیش تر فرآیند حسابرسی می شود. نتایج این فرضیه را میتوان اینگونه استنباط کرد که دانش حسابرس نسبت به صاحبکار زمانی که دوره تصدی حسابرس بلندمدت باشد، افزایش می یابد که این دانش بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و صاحبکار را کاهش می دهد در نتیجه حسابرس درخواست استفاده از رویه های محافظه کارانه تری را از مدیریت خواهد داشت. نتایج این فرضیه با پژوهش های دان لی (۲۰۱۰) و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸)، جنکینز و لوری (۲۰۰۸) همسو می باشد.

از سویی دیگر، نتایج فرضیه سوم حاکی از این مطلب است که هرچه رابطه حسابرس با صاحبکار کوتاه مدت باشد می توان اینگونه استدلال نمود که دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس باعث عدم استفاده از رویه های محافظه کارانه تری از سوی مدیریت است. نتیجه این فرضیه با پژوهش ریکیت و آلام (۲۰۱۶) همسو می باشد.

در این تحقیق، رابطه بین چرخش اجباری موسسات حسابرسی و محافظه کاری حسابداری، مورد آزمون قرار گرفت. به منظور بررسی هر یک از فرضیات تحقیق مدل طراحی شده توسط ریکیت و آلام (۲۰۱۶) به کار رفته اند، تعریف و تخمین زده شد. سپس با توجه به نتایج بدست آمده از مدل، هر فرضیه به طور جداگانه بررسی گردید و در نهایت نتیجه کلی برای هر فرضیه بیان شد. در این بخش به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها خواهیم پرداخت.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که دوره تصدی بلند مدت حسابرس منجر به کاهش محافظه کاری حسابداری می گردد. با توجه به اجرایی شدن دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۷ مبنی بر تغییرات حسابرس مستقل در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تا پیش از اتمام دوره ۴ ساله پیشنهاد می شود برای حفظ منافع سهامداران و تامین کنندگان شرکت ها و همچنین نظارت راهبردی بر عملکرد هیئت مدیره، علل تغییرات مطروحه در گزارشات پیوست صورت های مالی افشا و ارایه گردد. نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق با پژوهش های استفان و همکاران (۲۰۱۱)، چی و هانگ (۲۰۰۵)، کریشنان (۲۰۰۶) و ملکیان و عبدی پور (۱۳۹۲) همسو می باشد.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که دوره تصدی بلند مدت حسابرس منجر به کاهش محافظه کاری حسابداری می گردد. با توجه به اجرایی شدن دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۷ مبنی بر تغییرات حسابرس مستقل در شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تا پیش از اتمام دوره ۴ ساله پیشنهاد می شود برای حفظ منافع سهامداران و تامین کنندگان شرکت ها و همچنین نظارت راهبردی بر عملکرد هیئت مدیره، علل تغییرات مطروحه در گزارشات پیوست صورت های مالی افشا و ارایه گردد. نتایج حاصل از فرضیه اول تحقیق با پژوهش های استفان و همکاران (۲۰۱۱)، چی و هانگ (۲۰۰۵)، کریشنان (۲۰۰۶) و ملکیان و عبدی پور (۱۳۹۲) همسو می باشد.

نتیجه فرضیه دوم، بیانگر آن است که شرکت هایی که دارای دوره تصدی بلند مدت حسابرس هستند دارای گزارش های محافظه کارانه تری خواهند بود. ادعا می شود رابطه بلندمدت حسابرس و صاحبکار از یک سو منجر به ایجاد روابط خاص، کاهش اعتماد عمومی و کاهش استقلال می شود. و از سوی دیگر شناخت حسابرس را از ساختار کنترل داخلی صاحبکار و عملیات آن عمق بیشتری می بخشد و موجب اثربخشی بیش تر فرآیند حسابرسی می شود. نتایج این فرضیه را میتوان اینگونه استنباط کرد که دانش حسابرس نسبت به صاحبکار زمانی که دوره تصدی حسابرس بلندمدت باشد، افزایش می یابد که این دانش بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و صاحبکار را کاهش می دهد در نتیجه حسابرس درخواست استفاده از رویه های محافظه کارانه تری را از مدیریت خواهد داشت. نتایج این فرضیه با پژوهش های دان لی (۲۰۱۰) و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸)، جنکینز و لوری (۲۰۰۸) همسو می باشد.

از سویی دیگر، نتایج فرضیه سوم حاکی از این مطلب است که هرچه رابطه حسابرس با صاحبکار کوتاه مدت باشد می توان اینگونه استدلال نمود که دوره تصدی کوتاه مدت حسابرس باعث عدم استفاده از رویه های محافظه کارانه تری از سوی مدیریت است. نتیجه این فرضیه با پژوهش ریکیت و آلام (۲۰۱۶) همسو می باشد.

پیشنهادات مبتنی بر نتایج تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می گردد:

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه تحقیق به استفاده کنندگان از صورت های مالی پیشنهاد می شود به رابطه مثبت بین دوره تصدی حسابرس و محافظه کاری توجه داشته باشند چرا که دوره تصدی بالاتر باعث استفاده از رویه های محافظه کارانه تری از سوی مدیریت است. با توجه به این که محافظه کاری بواسطه الزام قابلیت اثبات و تایید خود، رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه مدیران را محدود می کند، لذا استفاده کنندگان از صورت های مالی می توانند برای کنترل کردن رفتار فرصت طلبانه مدیریت به دور تصدی حسابرس توجه داشته باشند.
- با توجه به وجود رابطه مثبت و معناداری بین محافظه کاری حسابداری و کیفیت حسابرسی، به استفاده کنندگان از نتایج کاربردی پژوهش پیشنهاد می گردد در ارزیابی ها و تصمیم گیری های خود به واکنش رفتاری مربوط توجه نمایند. اگر محافظه کاری حسابداری به دلیل عوامل داخلی و خاص شرکت یا عوامل خارجی در بازار کاهش یابد، حسابرسی با کیفیت می تواند این افت را بهبود ببخشد.

منابع

- ✓ اسدی، غلامحسین، بیات، مرتضی، (۱۳۹۳)، تاثیر محافظه کاری مدیریت بر پیش بینی های مدیریت از سود، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۹-۳۸.
- ✓ انصاری، عبدالمهدی، دری سده، مصطفی، شیرزاد، علی، (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر محافظه کاری بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، دوره ۶، شماره ۱۹، صص ۶۱-۷۸.
- ✓ بنی مهد، بهمن، باغبانی، تهمینه، (۱۳۸۸)، اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۸، ص ۵۳.
- ✓ جهانشاد، آریتا، عوض پور، شیما، (۱۳۹۳)، تاثیر تغییرات سود باقیمانده و مدت تصدی حسابرس، نشریه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۱، صص ۱۷۳-۲۰۵.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، غلام زاده لداری، مسعود، (۱۳۹۱)، ارزیابی جامع کیفیت حسابرسی در ایران، فرصت های تحقیقاتی، دهمین همایش حسابداری، دانشگاه الزهراء.
- ✓ رجبی، روح الله، (۱۳۸۵)، چالش های تعویض حسابرس فصلنامه حسابدار رسمی، شماره ۸ و ۹، صص ۵۳-۶۲.
- ✓ کرمی، غلامحسین، بذرافشان، آمنه، محمدی، امیر، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود، دانش حسابداری، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۶۵-۸۲.
- ✓ موسوی شیری، سید محمد، پیشوایی، فاطمه، خلعتبری، حسن، (۱۳۹۵)، ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه کاری و سرمایه گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۲، صص ۲۱۳-۲۳۴.
- ✓ Ball, R. and Shivakumar, L. (2005), "Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness", Journal of Accounting and Economics, Vol. 39, No. 1, pp. 83128.
- ✓ Ball, R. and Shivakumar, L. (2006), "The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss Recognition", Journal of Accounting Research, Vol. 44, No. 2, pp. 207-242.
- ✓ Basu, S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", Journal of Accounting and Economics, Vol. 24, No. 1, pp. 3-37.

- ✓ Bhattacharya, U., Daouk, H., and Welker, M. (2003), "The world price of earnings opacity", *The Accounting Review*, Vol. 78, No. 3, pp. 641–678.
- ✓ Caramanis, C. and Lennox, C. (2008), "Audit effort and earnings management", *Journal of Accounting & Economics*, Vol. 45, pp. 116-138.
- ✓ Caramanis, C., and Spathis, C., (2006), "Auditee and audit firm characteristics as determinants of audit qualifications: evidence from the Athens stock exchange", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 21, pp. 905–920.
- ✓ Chen, F., Hou, Y., Richardson, G., and Ye, M. (2009). Auditor industry expertise and the timeliness and usefulness of litigation loss contingency disclosures. Available at www.ssrn.com.
- ✓ Chen, C. Y., Lin, C. J. and Lin, Y. C. (2004). "Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals; does long auditor tenure impair earning quality?" Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
- ✓ Davis, L.R., Soo, B., and Trompeter, G. (2000). "Auditor Tenure, Auditor Independence and Earnings Management," Working Paper. Boston College.
- ✓ DeFond, M., Ettredge, M. and Smith, D. (1997), "An investigation of auditor resignations", *Research in Accounting Regulation*, Vol. 11, pp. 25–45.
- ✓ Edwin, T. (2014), "Expert view: New Companies Act puts an end to crony auditing", <http://businessstoday.intoday.in/story/expert-view-new-companies-act-puts-an-end-to-crony-auditing/1/205176>.
- ✓ Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. and Schipper, K. (2005), "The market pricing of accruals quality", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 39, No. 2, pp. 295–327.
- ✓ Hamdan A, Abzakh M, Ataibi M. 2011. Factors influencing the level of accounting conservatism in the financial statements. *International Business Research*, 3:145-155.
- ✓ Garsia Lara, J. M., Garsia Osmá, B. and Penalva, F. (2010). Accounting conservatism and firm investment efficiency. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1383642 & <http://www.Google.com/search?hl=fa&q=Accounting+Conservatism+and+Firm+Investment+Efficiency&lr>. [Online] [30 October 2010].
- ✓ Griffin, P. and Lont D. (2008), "Auditor fees around dismissals and resignations: Additional evidence", Working Paper, University of California – Davis and University of Otago.
- ✓ Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P. (2003), "Earnings management and investor protection: an international comparison", *Journal of Financial Economics*, Vol. 69, No. 4, pp. 505–527.
- ✓ Leventis, S. and Dimitropoulos P. E. (2010), "Audit pricing, quality of earnings and board independence: The case of the Athens stock exchange", *Advances in Accounting*, Vol. 26, No. 2, pp. 325-332.
- ✓ Li, D. (2010). Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence. *J. Account. Public Policy*, No 29, pp 226-241.
- ✓ Lowe. T. (2013). Agency Costs of Equity and Accounting Conservatism: A Real Options Approach. University of Auckland, <http://www.ssrn.com>.
- ✓ Lin, F., Wu, C.M., Fang, T.Y. & Wun, G.C. (2014). The relation among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation. *Economic Modeling*, 37: 164–174.
- ✓ Kwon, S. Y., Lim, Y. D. and Simnett, R. (2014), "The effect of mandatory audit firm rotation on audit quality and audit fees: empirical evidence from the Korean audit market", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 33, No. 4, pp. 167-195.
- ✓ Kim, Y. and Park, M.S. (2006), "Auditor changes and the pricing of seasoned equity offers", *Accounting Horizons*, Vol. 20, No. 4, pp. 333–349.
- ✓ Tysiac, K. (2012). "PCAOB panelists say mandatory firm rotation could be harmful, helpful", *Journal of Accountancy March*, <http://www.journalofaccountancy.com>.

- ✓ Shu, S. (2000), "Auditor resignations: clientele effects and legal liability", Journal of Accounting and Economics, Vol. 29, No. 2, pp. 173–205.
- ✓ Sarbanes-Oxley. P. (2002). "Does auditor quality and tenure matter to investors? Evidence from the bond market." Journal of Accounting Research, Vol. 42, Issue 4, pp. 755-793
- ✓ Spathis, C. T. (2002), "Detecting false financial statements using published data: some evidence from Greece", Managerial Auditing Journal, Vol. 17, No. 4, pp. 179–191.
- ✓ Watts, R. L. (2003), "Conservatism in accounting Part I: explanations and implications", Accounting Horizons, Vol. 17, No. 3, pp. 207-22.
- ✓ Watts, R. L. and Zimmerman, J. L. (1986), "Positive accounting theory", Prentice Hall. Englewood Cliffs, NJ (Chapter 8).
- ✓ Wells, D. and Louder, M. (1997), "The market effects of auditor resignations", Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 16, pp. 132-144.

